

نگاهی به گزارش مجمع رسانه‌های جدید و پیام‌های ضمنی آن

هوشمندسازی مدارس، دغدغه‌ای از دیروز تا فردا

اشاره

امروزه ورود رسانه‌های جدید به عرصه آموزش دستاوردهای مهمی در پی داشته است؛ مجمع رسانه‌های جدید (NMC)، یک نهاد غیرانتفاعی بین‌المللی است که هر چند سال یک‌بار درباره تأثیر فناوری‌های نوین در آموزش، یادگیری و پژوهش خلاق در مقیاس جهانی و محلی گزارشی ارائه می‌کند؛ مطالعه و بررسی و مقایسه وضعیت کنونی آموزش و پرورش کشور ما با آن، یکی از ضرورت‌های نظام‌های آموزشی ماست. در بخش اول این مقاله (درج شده در شماره ۸ دوره ۳۱) جهت‌گیری‌های مؤثر در پذیرش فناوری آموزشی، چالش‌های پذیرش آن‌ها و پیشرفت‌های به‌دست آمده تشریح شد. در بخش دوم، درباره دلالت‌های گزارش مجمع رسانه‌های جدید در اسناد آموزش و پرورش بحث می‌شود.

ج) سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی

ایران: در سند برنامه درسی ملی که از سند تحول و تفصیل آن برگرفته شده است، اهداف کلی سند به صورت جزئی‌تری بیان شده‌اند. در این برنامه، معلم راهنما و راهبر فرایند یاددهی-یادگیری و یک پژوهشگر آموزشی است و دانش آموز نقش فعال و آگاهانه‌ای در فرایند یادگیری دارد و بر مواردی مثل سازمان‌دهی محتوای درس‌ها به‌صورت تلفیقی (در هم تنیده با سایر حوزه‌های یادگیری)، توجه به تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی و شخصیتی دانش‌آموزان و پیوند مدرسه و جامعه و تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و متنوع تأکید شده است تا زمینه هدایت دانش‌آموزان با توجه به علاقه‌ها و توانایی‌هایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی فراهم شود.

د) نقشه راه مدارس هوشمند: مدارس هوشمند

محل تبلور عملی فناوری‌های نوین و روش‌های آموزش نوین در نظر گرفته شده‌اند و ساختار آن‌ها با جزئیات تمام در نقشه راه مدارس قید شده است. از جمله ویژگی‌های این مدارس آن است که آموزش سنتی و الکترونیکی در کنار هم موجب تنوع روش‌های یاددهی و یادگیری شده است. آموزش و ارزشیابی به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شود و ارتباط گسترده‌ای بین دانش‌آموز و معلم برای ارتقای کیفیت یادگیری و تبادل تجربیات بین معلمان وجود دارد.

چشم‌انداز فاوا در اسناد اساسی آموزش و پرورش

الف) برنامه ششم توسعه: در این برنامه که برنامه توسعه جامع کشوری است، دستیابی ایران به رتبه اول منطقه در علم و فناوری تا پایان سال ۱۳۹۹ پیش‌بینی شده است.

ب) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:

در سند تحول که به منزله قانون اساسی برای نظام آموزش و پرورش است، به‌طور کلی بر لزوم استفاده از فناوری‌های جدید در ساختار آموزش و پرورش تأکید شده و یک بخش ویژه هم به کاربرد آن در آموزش اختصاص یافته است. اهداف مهمی که به روشنی در سند قید شده‌اند، عبارت‌اند از: اصلاح و به‌روزرسانی روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال، گروهی و خلاق (راهکار ۱۷/۳)، توسعه فرهنگ پژوهش و نوآوری (راهبرد ۶)، ارتقای کیفیت فرایند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین (هدف ۱۷). بعضی از راهکارهای در نظر گرفته شده برای آن نیز عبارت‌اند از: توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) در مدارس، برنامه محوری به جای کتاب محوری و تولید بسته آموزشی در برنامه‌های درسی، تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان (با مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی) و الکترونیکی کردن محتوای کتاب‌های درسی براساس برنامه درسی ملی (با تأکید بر استفاده از ظرفیت چند رسانه‌ای).



از میان ۱۰۵ هزار مدرسه کشور، تاکنون نزدیک به ۵۰ درصد توانسته‌اند در طرح هوشمندسازی شرکت کنند

محدودیت‌های برنامه درسی: با وجود تغییرات مثبت و رو به پیشرفتی که در برنامه درسی ملی حاصل شده است، روح حاکم بر برنامه، تمرکز گرای است. معلمان در طراحی و برنامه‌ریزی محتوای درسی تقریباً اختیاری ندارند. کتاب‌های درسی واحدی برای سراسر کشور منتشر می‌شوند و موضوعات و مسائل منطقه‌ای فقط در یک کتاب، آن هم به صورت محدود، طرح می‌شوند. مسئله دیگر این است که با توجه به ارتباط چند جانبه مسائل و پیچیدگی‌های دنیای جدید، ظرفیت‌های بیشتری برای رویکرد تلفیقی در ارائه درس‌ها وجود دارد که از آن‌ها استفاده نشده است.

محدودیت‌های قانونی و فرهنگی: در قوانین آموزش و پرورش، هنوز نگاه سلبی و منفی به اینترنت وجود دارد و در نتیجه آن بحث اینترنت جهانی منتفی شده و اینترنت داخلی، آن هم با پهنای نسبتاً محدود، مطرح شده است. در موضوع «آوردن وسایل الکترونیکی خود به مدرسه» هم به دلیل مسائل فرهنگی، بخش‌نامه‌های موجود اجازه چنین کاری را به دانش‌آموزان ایرانی نمی‌دهد. همچنین، قوانین سختگیرانه‌ای برای اردوها و گردش‌های علمی و استفاده از محیط بیرون از مدرسه وجود دارد که تجربیات یادگیری اصیل را کمرنگ می‌کند.

چالش‌های پیشرفت فناوری آموزشی در ایران

همان‌گونه که اشاره شد، در اسناد اساسی آموزش و پرورش، جهت‌گیری‌ها با اهداف و سیاست‌گذاری‌های جهانی هم‌راستا است، اما متأسفانه آموزش و پرورش ایران نیز مانند هر نهاد آموزشی دیگری در حیطه عمل و در راستای تحقق چشم‌اندازهای بیان شده، با چالش‌ها و تهدیدهای گوناگونی مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- هوشمندسازی مدارس و کمبود بودجه برای زیرساخت‌های فنی آن: در بخش پروژه هوشمندسازی مدارس، هزینه سنگین آموزش و پرورش و کسری قابل توجه بودجه و نیز نبود زیرساخت‌های فنی مناسب موجب شده است این پروژه با مشکلات زیادی روبه‌رو شود. معاون مرکز برنامه‌ریزی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش اظهار می‌دارد که از میان ۱۰۵ هزار مدرسه کشور، تاکنون نزدیک به ۵۰ درصد توانسته‌اند در طرح هوشمندسازی شرکت کنند.

اسماعیلی، کارشناس IT در وزارت آموزش و پرورش نیز در این باره می‌گوید: «شبکه پرسرعت اینترنت، آن‌گونه که در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اجرا می‌شود، در کشور ما وجود ندارد. در همین حوزه، نبود نرم‌افزارهای قوی و سیستم‌های نرم‌افزاری مدیریت آموزشی به شدت احساس می‌شود. در بخش تولید محتوا فعالیت بسیار محدودی انجام شده است که قطعات محتواهای تولید شده پاسخگوی نیازهای حال و آینده این نوع مدارس نیستند. مشکل بعدی نبود نیروی انسانی متخصص است که هنوز نظامی آموزشی برای تولید چنین نیروی انسانی در کشور ما تعریف نشده است. لذا پیش‌بینی می‌شود، سرعت توسعه مدارس مجازی و هوشمند در کشور ما کند باشد. اما جای بسی امیدواری است که قدم‌های اول برداشته شده است.»

- نگرش فنی و مهندسی به جای نگرش آموزشی: برخی مدیران فکر می‌کنند هوشمندسازی مدارس در صلاحیت مهندسان رایانه و فناوری است تا در صلاحیت متخصصان آموزشی؛ در صورتی که ابزار و وسایل ارتباطی و اطلاعاتی هیچ‌گاه جایگزین برنامه‌ریزی‌های مدیرانه و طراحی‌های آموزشی دقیق نخواهند بود. نتیجه تأکید بی‌اندازه بر استفاده هر چه بیشتر از ابزارهای الکترونیکی در فرایند آموزش، صرف مبالغ هنگفتی از بودجه دستگاه‌های آموزشی برای خرید وسایل و ابزارهای گران‌قیمت و در نهایت بی‌استفاده و خارج از رده شدن آن‌هاست (فردانش، ۱۳۹۰).

در قوانین آموزش و پرورش هنوز نگاه سلبی و منفی نسبت به اینترنت وجود دارد

پیشنهادها و راهکارها

- ارتقای توانمندی معلمان در زمینه روش‌های نوین تدریس، تولید محتوا و فاوا
- تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و مدارس
- افزایش حقوق در راستای کارهای انجام شده توسط کارشناس فناوری اطلاعات و معلمان مدرسه برای بهبود وضع موجود و کیفیت آموزشی
- تغییر دیدگاه سنتی و غیرکارشناسی به فناوری
- افزایش بودجه و اعتبار برای فراهم کردن زیرساخت فنی و تجهیزات مورد نیاز برای هوشمندسازی مدارس
- افزایش سرعت و دسترسی مدارس به اینترنت و توسعه پهنای باند
- تخصیص بودجه به خانواده‌ها برای برخوردار شدن دانش‌آموزان از امکانات سیستمی در منازل
- توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان در بخش زبان انگلیسی برای استفاده از محتوای جهانی
- کاربست روش‌های گروهی، فعال و خلاق در فرایند یاددهی و یادگیری
- استقرار وبسایت دارای قابلیت مدیریت محتوا و مدیریت یادگیری برای مدارس
- تعریف سیاست‌های امنیتی مشخص و مدون برای صیانت از منابع اطلاعاتی مدارس
- توجه به فناوری‌های نوین برای کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی و برقراری عدالت آموزشی بیشتر
- توجه به محیط‌های یاددهی و یادگیری مبتنی بر محتوای چندرسانه‌ای و آموزش برخط
- وجود تکنسین توانمند و تمام وقت برای پشتیبانی فنی مدارس
- وضع قوانین و دستورالعمل‌های مشخص در استفاده بهینه از فناوری‌هایی چون تلفن همراه هوشمند، تبلت و لپ‌تاپ در مدارس
- فرهنگ‌سازی و تغییر در نگرش جامعه در رابطه با کاربست صحیح فناوری، به‌خصوص در بخش آموزش

دلالت‌های گزارش بر آموزش و پرورش ایران

چنانچه خواندید، در توجه به روش‌های جدید یاددهی-یادگیری در قسمت اهداف و روش‌ها هم‌پوشانی قابل توجهی وجود دارد، اما متأسفانه در حوزه عمل با چالش‌های بسیار روبه‌رو هستیم؛ از یک طرف آماده نبودن زیرساخت‌ها و امکانات و فاصله زیاد

ما با کشورهای توسعه یافته و از طرف دیگر نگرش سنتی و آشنایی ناکافی مسئولان، مدیران و معلمان با روش‌های جدید آموزش که در برخی موارد باعث کندی یا توقف پیشرفت می‌شود. لذا به‌نظر می‌رسد، توجه هر چه بیشتر مدیران و مسئولان در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور با محوریت آموزش و پرورش، توجه روز افزون به تحول در نظام آموزش فعلی و رصد تحولات فناوری و بازتولید برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی و تربیتی متناسب با نیازهای عصر حاضر و برای دانش‌آموزان اسلامی ایرانی و همچنین توجه مبرم به ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای مدارس هوشمند بسیار ضروری است.

موضوع مهم دیگر که باید به‌طور مبرم به آن توجه شود، قانون منع استفاده از برخی فناوری‌ها چون تلفن همراه هوشمند در مدارس است. این روزها با رواج گسترده تلفن‌های همراه هوشمند، بحث‌های گسترده‌ای درباره استفاده از آن‌ها در مدارس برای ارتقای کیفیت یادگیری و کاربردهای وسیع آن در آموزش شده است. در حالی که معاونت توسعه و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ایران، در ۱۷ آبان ۱۳۸۵، به صراحت ممنوعیت استفاده از تلفن‌های هوشمند و تبلت‌هایی را که کاربرد تلفن هوشمند دارند، عنوان کرده است.

اما سؤالی که در دنیای امروز مطرح می‌شود این است که: آیا وضع چنین قوانینی و تحریم فناوری‌های کاربردی، راهکار مناسبی برای حل معضل استفاده نادرست از آن‌ها در مؤسسات آموزشی است؟ مشکلات بیشتر، شامل استفاده‌های غیراخلاقی، نابجا و یا افراطی در این بخش است. به‌نظر می‌رسد راهکار مناسب برای حل این مشکل، ارتقای هویت جوانان جامعه، آگاه کردن اولیای مدرسه و خانواده از نقش و کاربردهای گسترده این فناوری‌ها در آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده در سطح جامعه است.

* پی‌نوشت‌ها *

1. NMC = New Media Committee
National New media Committee
New media Committee

* منابع *

1. www.nmc.org: The NMC Horizon Report (K-12 Edition)
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ۱۳۹۰.
۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۱.
۴. نقشه راه مدارس هوشمند. ۱۳۹۰.
۵. فردانش، هاشم. مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۹۰.
۶. حداد و الکساندر. فناوری برای آموزش. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی و علی‌رضا مقدم. نشر نی. تهران. ۱۳۸۶.
۷. کیفیت مدارس هوشمند در دستور کار آموزش و پرورش www.yjc.ir.
۸. مدارس هوشمند زیر غبار آموزش سنتی: www.daneshavaran.com.